تأمّلی در دیدگاه آیت الله نمازی پیرامون اعتبار روایات کتاب کافی

محمّد الهی خراسانی*

چکیده: کتب اربعه در میان کتب حدیثی شیعه به جهت قدمت، شمول روایات و اعتبار مؤلّفان جایگاه ویژه‌ای دارند و در این میان کتاب کافی از اعتبار خاصّی برخوردار است و محدّثان و فقیهان در موضوع میزان اعتبار روایات کافی در ضمن آثار خود بحثهایی مطرح و یا به صورت مستقل، کتابهایی را در این موضوع تألیف کرده‌اند.

علّامه نمازی شاهرودی کتاب الأعلام الهادیة الرفیعة فی اعتبار کتب الأربعة را در اثبات موثوق الصدور بودن تمام روایات کتب اربعه و صحت روایات آنها تألیف کرد. علّامه نمازی شاهرودی دلایل اعتبار روایات کافی را چنین می‌شمارد: برگرفته شدن از اصول اربعمأة ـ موجود بودن تمام اصول حدیثی در زمان کلینی ـ شهادت مؤلّف بر صحت احادیث در خطبهٔ کتاب ـ دستور امامان به پذیرش روایات ثقات ـ ستایش کافی از سوی عالمان شیعه.

کلیدواژه‌ها: نمازی شاهرودی، علی / کتب اربعه شیعه / اعتبارسنجی

---

*. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

/ حـدیث / الکـافی [کـتاب] / الأعـلام الهـادیة الرفـیعة فـی اعـتبار کتب الأربعة [کتاب] / اصول اربعمأة.

درآمد

در میان کتابهای حدیثی شیعه، کتب اربعه، به دلیل قدمت منابع، شمول روایات و شخصیّت مؤلّفان، جایگاهی ممتاز و متفاوت دارند. از میان این چهار اثر، کتاب «کافی»، نه تنها به خاطر تقدّم زمانی، که به جهت گزینش، چینش و ضبط بهتر و دقیق‌تر روایات، جلودار است.

از دیرباز، گفت‌وگو پیرامون میزان اعتبار روایات کافی در میان محدّثان، رجالیان و فقیهان، رایج بوده است. حالات مفروض در اعتبار روایات کافی از هشت صورت خارج نیست:

۱. قطعی الصّدور بودن تمام روایات
۲. قطعی البطلان بودن تمام روایات
۳. صحت تمام روایات (بنابر مسلک قدما)
۴. صحت تمام روایات (بنابر مسلک متأخّرین)
۵. عدم صحت هیچ یک از روایات (بنابر مسلک قدما)
۶. عدم صحت هیچ یک از روایات (بنابر مسلک متأخّرین)
۷. اصالة الإعتبار
۸. اصالة عدم الإعتبار

از این هشت احتمال، حالات دوم، پنجم و ششم، به روشنی منتفی هستند. علم اجمالی به وجود روایات موثوق الصدور و همچنین علم تفصیلی به وجود روایات صحیح السند، بهترین دلیل بر بطلان این سه صورت است. بنابر این حالات قابل بحث، پنج صورت باقیمانده هستند که هر یک طرفدارانی داشته و برای آن دلایلی اقامه شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

آیت الله علی نمازی شاهرودی (۱۳۳۳- ۱۴۰۵) از معدود عالمانی است که دربارهٔ اعتبار کتب اربعه، اثری مستقل نگاشته و نام آن را «الأعلام الهادیة الرفیعة فی اعتبار الکتب الأربعة المنیعة» نهاده است. وی در این کتاب بر آن است تا موثوق‌الصدور بودن تمام روایات کتب اربعه و صحت آنها را بنابر مسلک قدما اثبات کند. بنابراین وی از طرفداران صورت سوم از صور اعتبار روایات کافی به شمار می‌رود. کتاب مذکور، مشتمل بر پنج فصل، یک خاتمه و دو ضمیمه است.

مؤلّف در فصل نخست، شصت و پنج اصل حدیثی را نام برده و اطلاعاتی پیرامون آن از کتب رجالی و حدیثی ارائه می‌کند.

فصل دوم، دربارهٔ اعتبار اصول نامبرده و کیفیت نقل روایات اصول در جوامع حدیثی است.

در فصل سوم، دلایلی برای وجوب اعتماد به اصول حدیثی ذکر شده است.

فصل چهارم به سخنان صاحبان کتب اربعه دربارهٔ اعتبار کتاب خود اختصاص دارد.

در فصل پنجم، گفتارهایی از عالمان شیعه پیرامون اعتبار مجموع کتب اربعه و یا هر یک از آنها به طور خاص نقل شده است.

در خاتمه به برخی شبهات وارده پیرامون اعتبار کافی اشاره و پاسخ داده شده است.

پس از خاتمه نیز دو مطلب کوتاه دربارهٔ جایگاه علّامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی و اهمیت آثار حدیثی آنها ذکر شده است.

در این نوشتار، به بررسی و ارزیابی مهم‌ترین ادلّهٔ اعتبار روایات کافی از دیدگاه آیت الله نمازی خواهیم پرداخت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

۱. ادلّهٔ آیت الله نمازی پیرامون اعتبار روایات کافی

با بررسی مطالب کتاب می توان گفت مهم‌ترین ادلّهٔ مؤلّف بر اعتبار کافی، عبارت است از:

۱. برگرفته شدن کافی از اصول اربعمأة

۲. موجود بودن تمام اصول حدیثی در زمان کلینی

۳. شهادت کلینی بر صحت احادیث کافی در خطبهٔ کتاب

۴. دستور امامان به پذیرش روایات ثقات

۵. ستایش کتاب کافی از سوی عالمان شیعه

اکنون به بررسی جداگانهٔ هر یک از ادلّهٔ مذکور می پردازیم.

۱ـ۱) برگرفته شدن کافی از اصول اربعمأة

نخستین دلیلی که مؤلّف بر اعتبار روایات کافی اقامه می‌کند، برگرفته شدن کافی از اصول اربعمأة است. اصول اربعمأة، چهارصد کتاب حدیثی بوده که اصحاب امامان تدوین کرده‌اند.

طبرسی در «اعلام الوری» می‌گوید: چهار هزار نفر از اهل علمِ مشهور، از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده و اصحاب جوابهای آن حضرت به سؤالات را درکتبی به نام اصول اربعمأة نوشته و روایت کرده‌اند.(طبرسی، ص ۴۱۰)

سنّت و سیرهٔ اصحاب ائمّه به ضبط و نوشتن احادیث در همان مجلسی که با ائمّه بوده‌اند، سبقت گرفتن بر یکدیگر در اثبات مسموعات خویش، تدوین اصول چهارصدگانه بر مبنای پاسخهای ائمّه، جایز نشمردن روایت آنچه یقین به صحت آن نداشته‌اند و هم‌چنین صرف همتّهایی شایان توجه - همچون آمدن مردی از مصر به مدینه برای گرفتن حدیث غدیر از زید بن ارقم- شواهد گویایی بر اعتبار اصول حدیثی است.(نمازی شاهرودی، ص ۱۴۷ـ۱۲۹)

در نقد این دلیل، باید گفت اعتبار تمام اصول حدیثی نه تنها ثابت نیست؛ بلکه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

عبارت شیخ طوسی در «العدة»، برخلاف آن گواهی می دهد. وی در بحث اثبات اعتبار خبر واحد می‌گوید:

«والذی یدلّ علی ذلک، إجماع الفرقة المحقّة فانی وجدتها مجمعة علی العمل بهذه الاخبار التی رووها فی تصانیفهم ودوّنوها فی اصولهم لایتناکرون ذلک و لا یتدافعونه حتی انّ واحدا منهم اذا افتی بشیء لا یعرفونه سألوه من این قلت هذا، فاذا احالهم علی کتاب معروف و اصل مشهور و کان راویه ثقة لا ینکر حدیثه سکتوا وسلّموا الامر فی ذلک و قبلوا قوله».(طوسی، العده فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۲ـ۱۴۱)

و دلیل آن (حجیت خبر واحد)، اجماع شیعه است که من آنها را در عمل به روایاتی که آنها را در کتابهای خود روایت کرده‌اند و در اصول حدیثی خود تدوین کرده‌اند، هم‌داستان یافته‌ام. آنان عمل به این روایات را انکار نمی‌کنند و به خاطر آن بر کسی خرده نمی‌گیرند. تا جایی که هرگاه، کسی از آنان به چیزی که برای دیگران شناخته شده نیست فتوا می‌دهد، از او می‌پرسند که این فتوا را از کجا آورده‌ای؟ اگر به کتاب حدیثی شناخته شده و یا اصل حدیثی مشهوری ارجاع دهد و راوی آن خبر هم فرد ثقه‌ای باشد، روایت مورد استناد او را انکار نمی‌کنند و تسلیم وی می‌شوند و نظرش را می‌پذیرند.

از این عبارت برمی‌آید که حتّی در اصل مشهور، پذیرش حدیث، مشروط به این است که «**کان راویه ثقة**»، پس اصول مشهوره هم از بحث سندی بی‌نیاز نیست؛ چه رسد به دیگر اصول.

۱ـ۲) موجود بودن تمام اصول حدیثی نزد کلینی

این دلیل در واقع فراتر از دلیل قبلی است به این بیان که علاوه بر اینکه تمام روایات کافی از اصول حدیثی گرفته شده، باید توجه داشت که کلینی این روایات را از مجموع روایات اصول حدیثی شیعه گزینش کرده است. آیت الله نمازی در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

این‌باره می‌گوید:

نزد هر عاقلی بعید به نظر می‌آید که اصول مزبور - با این‌که بنا به تصریح شیخ صدوق و طوسی در کتبشان، نزد اینان بوده است - نزد کلینی نبوده باشند؛ زیرا غالب این اصول به مشایخ این دو بزرگوار، از طریق مشایخ کلینی می‌رسد. (نمازی شاهرودی، ص ۱۳۳ـ۱۳۴)

در نقد این دلیل نیز باید اظهار داشت، موجود بودن تمام اصول حدیثی در زمان کلینی، سخنی است که دلیل علمی بر اثبات آن وجود ندارد. گاه در این زمینه به زندگینامهٔ «تلّعکبری» شاگرد کلینی استناد می‌شود؛ زیرا دربارهٔ وی گفته شده است: «**روی جمیع الأصول و المصنفات**» (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۴۹) و امکان ندارد که استاد وی کلینی این اصول را در اختیار نداشته باشد. ولی این استدلال هم ناتمام است. زیرا اولاً دلیلی نداریم که تمام اصول و مصنفات در اختیار تلعکبری بوده و این مطلب که تلعکبری تمام اصول و مصنفات را روایت کرده، دلیل بر این نیست که تمام آنها را در اختیار داشته، چون طریق تحمل حدیث به سماع و قرائت منحصر نیست، بلکه اجازهٔ عامّه (بدون مناوله) خود یکی از طرق بسیار شایع تحمل حدیث بوده است و به فرض که تمام آنها را به روش سماع و قرائت فراگرفته باشد، دلیل بر این نیست که کتابخانهٔ عظیمی در اختیار تلعکبری بوده که هر زمان می‌خواسته، می‌توانسته از آن بهره گیرد. ثانیاً اگر تمام اصول و مصنفات در اختیار تلعکبری باشد، الزاماً این مصادر در اختیار استاد وی نبوده است، به ویژه با توجّه به این‌که تلعکبری (م ۳۸۵) بیش از پنجاه سال پس از وفات کلینی (م ۳۲۹) درگذشته و چه بسا پس از وفات کلینی بر پاره‌ای کتب دسترسی پیدا کرده که در زمان حیات کلینی وجود نداشته است.(شبیری زنجانی، ص ۱۶۳)

۱ـ۳) شهادت کلینی بر صحت احادیث کافی در خطبهٔ کتاب

از دیدگاه آیت الله نمازی، یکی از مهم‌ترین ادلّه بر اعتبار احادیث کافی، عبارت مقدمهٔ کتاب است. کلینی پس از اشاره به درخواست تألیف کتابی مشتمل بر «الآثار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

الصحیحة عن الصادقین : و السنن القائمه التی علیها العمل» می‌افزایـد: «**و قد یسّر اللّـه- و له الحمد- تألیف ما سألت، و أرجو أن یکون بحیث توخّیت**».(کلینی، ج ۱، ص ۹)

در این عبارت، کلینی خداوند را شکر مـی‌کند کـه تـوفیق تـألیفی را مـطابق بـا خواستهٔ سائل به وی عطاکرده است، بنابراین وی احـادیث کـتاب را «صـحیحه» می‌داند.

از سوی دیگر عبارت فوق با توجه به افعال ماضی که در آن به‌کار رفته، تقریباً صریح در این معناست که پس از نگارش کتاب و پایان آن، به رشته تحریر در آمده، پس این احتمال که مؤلّف از تصمیم خود برگشته یـا از هـدف تـألیف در هـنگام نگارش غفلت ورزیده باشد، درکار نیست. بنابراین با توجه به شهادت مؤلّف بـه صـحت احـادیث کـتاب، بـاید احـادیث آن را مـعتبر دانست. (نـمازی شـاهرودی، ص ۱۴۷ـ۱۴۸)

نسبت به این دلیل، بحثی صغروی و بحثی کبروی مطرح است. بحث صغروی آن است که آیا کلینی به اعتبار تمامی احادیث کافی شهادت داده است؟ و بحث کبروی آن است که آیا شهادت کلینی به اعتبار احادیث کافی، برای دیگران شرعاً حجت است؟

به نظر می‌رسد از جهت صغروی، اصل شهادت کلینی بر اعتبار تمامی احادیث کافی ثابت است و اشکالاتی که مطرح شده، همگی قابل دفع است. امّا اینکه آیا شهادت کلینی به اعتبار احادیث کافی، برای دیگران شرعاً حجت است، باید گفت مهم‌ترین اشکال در اعتبار این شهادت، این است که تعبیر «صحیح» درکلام کلینی به اصطلاح متأخران نیست؛ بلکه به معنای لغوی و به مفهوم «موثوق الصدور» است و این امر می‌تواند به جهت قرائن خارجی باشد که از امور حدسی و استنباطی است و بنابراین حجیت شرعی ندارد.

برخی مانند میرزای نوری شهادت کلینی بر صحت روایـات کـتاب خـویش را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

نوعی توثیق کلّی نسبت به راویان روایات کافی و دلیلی بر صحت سندی روایات کافی گرفته‌اند؛ با این ادّعا که صحیح نزد قدما و متأخران به یک معناست و نزد هر یک، به معنای وثاقت راویان حدیث است؛ اما این مدعایی است که پذیرفتنی نیست. برای مثال، درکافی روایات مرسل با عباراتی همچون «**من أخبره**»، «**رجل**» و «**من حدثه**» بسیار است. بسیار بعید می‌نماید که قرائنی بر وثاقت همگی این راویان گمنام و ناشناخته درکار باشد. هم‌چنین بسیاری از راویان کافی را دیگر دانشمندان تضعیف کرده‌اند. بنابر این اگر بر فرض، کلینی با عبارت مقدمهٔ خود در صدد شهادت به وثاقت تمام افراد اسناد کافی بر آمده باشد، با توجه به تعارض این شهادت باگفتار دیگران در موارد بسیار، اعتبار ذاتی این شهادت از بین می‌رود، زیرا شهادت هر چند به امری محسوس یا نزدیک به حس باشد در صورتی اعتبار دارد که اشتباه آن اندک باشد. لذا اگر معارض آن بسیارگردد، از اعتبار ذاتی می‌افتد.

اصولاً ارزشیابی قدما نسبت به حدیث، بر محور سند حدیث نبوده است؛ بلکه معیار نزد آنان، وثوق به صدور روایت از معصوم بوده است. آری، وثاقت و یا عدم وثاقت راویان حدیث به عنوان طریقی برای وثوق به صدور روایت، در ارزشیابی آنان نقش بسزایی داشته است؛ چنان‌که مبنای وثوق صدوری چنین اقتضا می‌کند. به نظر می‌رسد قدما در اعتماد به روایات، هم بر وثاقت راویان تکیه می‌کرده‌اند و هم بر منبع معتبر حدیث؛ به گونه‌ای که هرکدام از این دو، قرینه‌ای برای صدور حدیث نزد آنان به شمار می‌رفته است. به این ترتیب، میان سخن شیخ طوسی که بر توجه قدمای امامیه به وثاقت راویان حدیث وکلام شیخ بهایی که بر توجه آنان به منبع حدیثی دلالت دارد، منافاتی نیست.

۱ـ۴) دستور امامان به پذیرش روایات ثقات

مؤلّف در بخش دیگری از ادلّه، روایاتی را مبنی بر دستور امامان به پذیرش روایات ثقات ذکرکرده است. (همان، ص ۱۴۱ـ۱۴۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

برای مثال، در توقیعی از امام زمان (عج) چنین نقل شده است: «**لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا**». (کشی، ص ۵۳۶)

بر فرض صدور چنین دستوری از ناحیهٔ امامان، وجوب عمل به تک تک روایات کافی از آن به دست نمی‌آید؛ زیرا ظهور توقیع مذکور و امثال آن، در نقل بی‌واسطه‌ی اصحاب مورد اعتماد امام از امام است؛ نه روایاتی که با سلسله سندهایی در کتابی از امام نقل شده باشد. علاوه بر این، مضمون روایت مذکور، ارشاد به حکم عقل است. زیرا همه‌ی عقلا به نقل فردی که مورد اعتماد شخص منقولٌ عنه است، وثوق پیدا می‌کنند و در صحت نقل او تشکیک نمی‌کنند. طبعاً اگر در جایی، مانعی برای وثوق ایجاد شد، این حکم شامل آن مورد نمی‌شود.

۱ـ۵) ستایش کتاب کافی از سوی عالمان شیعه

شاهد دیگری که بر اعتبار روایات کافی مطرح می‌شود، تعابیر و مدائح علمای شیعه دربارهٔ کتاب کافی است که مؤلّف به آنها اشاره می‌کند.

برای نمونه، شیخ مفید، کتاب کافی را بزرگترین و سودمندترین کتب شیعه می‌خواند (مفید، ص ۷۰) و شهید اول و محقق کرکی در اجازات حدیثی خویش تصریح می‌کنند که در امامیه کتابی مانند آن تألیف نشده است. (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۹۰ و ج ۱۰۵، ص ۷۵)

نجاشی در «رجال» و علّامه حلی در «مختصر»، مرحوم کلینی را شیخ اصحاب و مطمئن‌ترین مردم در نقل حدیث دانسته‌اند که کافی را در مدت بیست سال تدوین نموده است. (نجاشی، ص ۳۷۷ و حلی، ص ۴۰۶)

سیّد ابن طاووس نیز در «کشف المحجة» می‌گوید: کلینی در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام متولّد شد و در زمان وکلای امام عصر زیست و قبل از رحلت علی بن محمد سمری (آخرین نائب خاص امام عصر علیه‌السلام)، وفات کرده است. اینکه مرویات کلینی در زمان نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده، قرینهٔ روشنی بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

صحت کتابهایش می‌باشد؛ زیرا او می‌توانسته از اوضاع و احوال کتب و مآخذ – در صورت تردید – از نواب خاص سؤال کند. به ویژه که از خود نواب خاص و دیگران که در همان سرزمین بوده‌اند، نقل روایت کرده‌انـد.(علی‌بن طاووس، کشف المحجه، ص ۱۵۹)

علاوه بر این سخنان، نگاهی به اجازات حدیثی عالمان شیعه نیز نشان می‌دهد که بسیاری از آنان معتقد به اعتبار روایات کتب اربعه بوده‌اند. اجازات مولی محمد طاهر قمی، فیض کاشانی، سیّد محمدبن محمد باقرالداماد الحسینی، بـه عـلّامه مجلسی که در آنها بر مرجع و محور بودن کتب اربعه در ادوار و اعصار تصریح شده است. همچنین در برخی اجازات بر این نکته تأکید شده که آوردن طرق نقل حدیث در روایاتی که از این کتب نقل می‌شود، لزومی ندارد. مانند اجازه نورالدین علی بن علی بن الحسین الحسینی به محمد محسن ابن محمد مؤمن و شرف الدین به مولی محمد تقی مجلسی.(نمازی شاهرودی، ص ۱۵۹ـ۱۸۸)

دربارهٔ این استنادات باید گفت ستایشهای مذکور، دلیل بر موثوق الصدور بودن تمام روایات کافی نیست؛ بلکه شاهدی بر جایگاه بی‌همتای کتاب کافی در میان کتب حدیثی شیعه و البته ارزش و اعتبار غالب روایات آن است.

۲. دیدگاه برگزیده پیرامون اعتبار روایات کافی

با وجود نقدهایی که بر هر یک از ادلهٔ اعتبار روایات کافی ذکر شد، باید گفت اصل را بر عدم اعتبار روایات کافی گذاشتن و بنا را بر ارزشیابی سـندی تک تک روایات آن نهادن، امری نارواست. توضیح اینکه سیرهٔ عقلا، عمل به خبری است که وثوق عقلایی به صحت آن حاصل شود. قرائنی موجب وثوق عقلایی می‌شوند که از جملهٔ آنها وثاقت مُخبر است و طبعاً وثاقت ناقلان خبر، تنها قرینهٔ صحت خبر است. شارع نیز همین سیره را امضا نموده است.

حال می‌گوییم اگر چه هر یک از ادله‌ای که بر اعتبار روایات کـافی ذکـر شـد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

نمی‌تواند اعتبار تمام روایات کافی را ثابت کند؛ اما مجموع آنها، قرائنی است که با توجه به آنها، وثوق به صدور روایات کافی حاصل می‌شود؛ مگر در جایی که مانعی برای اطمینان وجود داشته باشد. مانند آنجا که مضمون روایتی با دلیل قطعی نمی‌سازد؛ خصوصاً اگر راوی آن ناشناخته و یا متهم باشد. در واقع، مقتضی وثوق در روایات کافی موجود است؛ چنانچه مانع نیز مفقود باشد، اعتبار روایت ثابت می‌شود. این همان نظریه‌ی «اصالة الاعتبار» است که در واقع، تقریر قابل دفاعی از نظریه‌ی صحت روایات کافی بر مسلک قدماست. این دیدگاه را می‌توان از فحوای سخن برخی عالمان اصولی استنباط کرد. وحید بهبهانی (م۱۲۰۵ق) یکی از آنان است. وی در تعلیقهٔ خویش بر «منهج المقال» نوشته است:

«بیشتر روایات نقل شده در کتاب‌های حدیثی مورد اعتماد اصحاب، مورد وثوقند. مطالبی که در فوائد سه‌گانه آوردیم، آنچه در زندگینامهٔ صاحبان این کتب آورده‌اند، سخنان صاحبان کتب اربعه دربارهٔ کتابهایشان مبنی بر اینکه روایات کتابهایشان صحیح، برای آنها معلوم و حجّت میان آنها و خداست و برگرفته از کتابهایی است که مورد اعتماد شیعه بوده است، همگی از موجبات این وثوق هستند.

قرائن خارجی نیز ما را به این وثوق می‌رسانند. از جمله اینکه روایات این کتابها برگرفته از اصول و کتب حدیثی متداول میان شیعه و مورد عمل آنان است. ضمن آنکه این کتابها برای راهنمایی مردم تألیف شده و مؤلفانشان خواسته‌اند کتاب مرجعی برای عمل شیعیان به آن فراهم کنند و این در حالی است که آنان شیعیان را از عمل به ظن به طور مطلق یا تا حدّ امکان نهی می‌کرده‌اند. هم‌چنین به خاطر نزدیکی به دوران حضور امامان علیهم‌السلام، برای مؤلفان این کتب، امکان دسترسی به احادیث قطعی به طور کامل یا غالب وجود داشته است. مقام علمی، تقوا، ورع و نهایت احتیاط آنان در مسایل دینی، به ویژه در احکام شرعی و اخذ روایات نیز باید مورد توجه قرار گیرد. افزون بر همهٔ اینها برخی روایات از قرائن خاص نیز برخوردارند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

در نهایت، این سخن که قرائن مذکور، موجب وثوق نمی‌شود، اما عدالت راویان سلسلهٔ اسناد روایات، موجب وثوق می‌شود، سخنی است که سُستی و نادرستی آن بر کسی پوشیده نیست». (وحید بهبهانی، **تعلیقه علی منهج‌المقال**، ص ۴)

تفاوت این تقریر با دیدگاه مشهور قائلان به صحت روایات کافی آن است که در این نگاه، امکان عدم اعتبار برخی روایات کافی هر چند به طور معدود پذیرفته می‌شود؛ زیرا بروز خطا در نقل و راهیابی تحریف و حتی وضع در مجموعه‌های حدیثی، امری ممکن و معقول است.

سیّد مرتضی در مجموعهٔ رسائل خویش، ذیل حدیثی از کافی که محل بحث واقع شده است، می‌نویسد:

«بدان که اقرار به تمام آنچه در روایات آمده، واجب نیست. چراکه در میان روایاتی که در کتب شیعه و غیر شیعه نقل شده است، مضامین نادرستی وجود دارد که گاه امری محال است و تصور آن نیز ممکن نیست، و گاه باطل است و دلیل بر بطلان و فساد آن وجود دارد، مانند تشبیه، جبر، رؤیت خدا و اعتقاد به صفات قدیم برای باری تعالی. و به راستی چه کسی می‌تواند روایات نادرست را به شماره درآورد؟ بنابراین، نخست باید حدیث را با عقل سنجید. اگر ناسازگار با عقل نبود، باید آن را به ادلهٔ معتبر، مانند قرآن عرضه کرد. اگر از این مرحله نیز عبور کرد، می‌توان به صدق حدیث پی برد... اما روایاتی که ظاهر آنها با حقیقت نمی‌سازد و معنای قابل قبولی ندارند، بر دو گونه‌اند: برخی از آنها تأویل‌بردارند و می‌توان بدون دچار شدن به تکلّف، مفهوم درستی از آنها برداشت کرد. این روایات را می‌توان با تأویل پذیرفت و مقصود از آنها را همان معنای تأویلی دانست. اما برخی از آنها به گونه‌ای هستند که نتیجهٔ تفسیر مناسب و قابل قبول آنها، معنای تکلّف‌آمیزی است که با فصاحت الفاظ و بلکه دلالت الفاظ نمی‌سازد. در این‌گونه موارد، ما قطع پیدا می‌کنیم که چنین روایتی صحت ندارد. آن هم از پیامبر یا امامی که به صحت و حکمت موجود در کلامشان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

علم داریم و نیز می‌دانیم که با دیگران، معماگونه و فریبنده سخن نمی‌گویند».(موسوی، ج ۱، ص ۴۰۹ ـ ۴۱۰)

در اینجا برای نمونه، به یکی از روایاتی که نمی‌توان به صدور آن از معصوم وثوق پیدا کرد، اشاره می‌کنیم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام فَقُلْتُ إِنَّ عِنْدَنَا قَوْماً مِنَ الْأَكْرَادِ وَ إِنَّهُمْ لَا يَزَالُونَ يَجِيئُونَ بِالْبَيْعِ فَنُخَالِطُهُمْ وَ نُبَايِعُهُمْ فَقَالَ يَا أَبَا الرَّبِيعِ لَا تُخَالِطُوهُمْ فَإِنَّ الْأَكْرَادَ حَيٌّ مِنْ أَحْيَاءِ الْجِنِّ كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُمُ الْغِطَاءَ فَلَا تُخَالِطُوهُمْ.(کلینی، ج ۵، ص ۱۵۸)

... ابو ربیع شامی گفت: به امام صادق عليه‌السلام عرضه داشتم: گروهی از کردها نزد ما هستند و همواره برای خرید و فروش به سراغ ما می‌آیند. ما نیز اهل ارتباط و معامله با آنها هستیم. امام فرمود: ای ابوربیع! با آنها درنیامیزید. زیرا کردها تیره‌ای از جنیان هستند که خدا پرده را از آنها برداشته است.

مطلبی که در این روایت از قول امام عليه‌السلام دربارهٔ کردها نقل شده است، پذیرفتنی نیست؛ زیرا کردها نیز مانند هر تیره و طائفه‌ی دیگری انسانند و ملاک در فضیلت و رذیلت انسان‌ها، باورها و کردارهای آنهاست. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾.(حجرات (۴۹) / ۱۳)

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

براین اساس، حدیث مذکور با چنین مضمونی، مصداق روایت ناسازگار با قرآن است و ائمه عليهم‌السلام ما را از اخذ این‌گونه روایاتی که به آنها نسبت داده شده است، هر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

چند با استناد به راویانی خوشنام نقل شده باشد، نهی نموده‌اند:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: يَا مُحَمَّدُ، مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَخُذْ بِهِ، وَ مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذْ بِه».(نوری، ج ۱۷، ص ۳۰۴)

از محمدبن مسلم نقل شده که امام صادق علیه‌السلام فرمود: ای محمّد! اگر روایتی از فردی نیکوکار یا گناهکار به دست تو رسید که با قرآن سازگار بود، به آن عمل کن و اگر روایتی از فردی نیکوکار یا گناهکار به دست تو رسید که با قرآن سازگار نبود، به آن عمل نکن.

آیت الله سیّد محمد باقر صدر در مباحث اصولی خویش، آورده است:

«لو وردت روایة فی ذمّ طائفة من الناس و بیان خسّتهم فی الخلق أو أنهم قسم من الجن، قلنا أن هذا مخالف مع الکتاب الصریح فی وحدة البشریة جنساً و حسباً و مساواتهم فی الإنسانیة و مسئولیاتها مهما اختلفت أصنافهم و ألوانهم».(هاشمی، ج ۷، ص ۳۳۴)

اگر روایتی، به نکوهش تیره‌ای از مردم پرداخته باشد و از پستی آفرینش آنها و یا جن بودن آنها سخن گفته باشد، می‌گوییم این، مخالف با کتاب خداست که به صراحت، وحدت بشر در جنس و ریشهٔ خلقت و برابری آنها در انسانیّت و مسئولیّت همهٔ انسانها با تمام ویژگیها و نژادهای گوناگونشان را مطرح می‌کند.

شایان ذکر است که این روایت از وثاقت سندی نیز برخوردار نیست؛ زیرا نام کسی‌که «علی‌بن حکم» از وی روایت می‌کند، ذکر نشده است و از وی با تعبیر «من حدّثه» یاد شده است. «ابو ربیع شامی» نیز از نظر رجالی، مجهول است.(خویی، ج ۷،ص ۷۰)

بدین ترتیب می توان گفت مضمون ناسازگار با قرآن و سند مخدوش این روایت، مانع از وثوق ما به صدور این روایت از معصوم می شود. هر چند مادامی که احتمال

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

عقلی برای قصد معنایی متفاوت با مدلول الفاظ روایت وجود داشته باشد، حکم به کذب و ادّعای قطع به عدم صدور روایت از معصوم نمی‌کنیم.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ادلّه‌ای که بر اعتبار روایات کافی از سوی آیت الله نمازی اقامه شده است، برخی از باب وثوق عقلایی به صدور و برخی از باب حجت شرعی است. برگرفته شدن کافی از اصول اربعمأة، موجود بودن تمام اصول حدیثی نزد کلینی و ستایش کتاب کافی از سوی عالمان شیعه، در دستهٔ اول جای می‌گیرند. دستور امامان به پذیرش روایات ثقات و شهادت کلینی بر صحت احادیث کافی در خطبهٔ کتاب نیز در دستهٔ دوم از ادله قرار می‌گیرند. چنان‌که گذشت، هر دو دسته از ادله، از اثبات اعتبار تمامی روایات کافی ناتوان است.

تردیدی نیست که باید میان کتاب کافی با سایر کتب حدیثی تفاوت گذاشت و نمی‌توان روایات کافی را صرفاً به خاطر اشکالات سندی از قبیل مجهول بودن راوی یا ارسال در سند از اعتبار ساقط نمود. اما این نکته سبب نمی‌شود که به صحت تمام روایات کافی از ابتدا تا انتهای آن معتقد شویم؛ چه رسد به آنکه ادعای قطع به صدور تمام آنها از معصوم کنیم. امّا می‌توان بر اساس مجموع شواهد و قرائنی که موجب وثوق به صدور روایات کافی می‌شود، اصل را بر اعتبار روایات گذاشت و با وجود این، امکان نامعتبر بودن برخی روایات آن را هر چند معدود پذیرفت. اگر طرفداران اعتبار روایات کافی چنین تفسیری را بپذیرند، ادلّهٔ ارائه شده از سوی آنان، توانایی اثبات مدّعایشان را خواهد داشت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

منابع

۱. ابن طاووس، رضی‌الدین علی. **کشف المحجة لثمر المهجة**. نجف: المطبعة الحیدری، ۱۳۷۰ ق.

۲. استرآبادی، محمّد امین. **الفوائد المدنی**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۳. انصاری، مرتضی. **فرائد الأصول**. قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۴. بحرانی، یوسف. **الحدائق الناضر**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۵. بشروی، عبدالله بن محمّد (فاضل تونی). **الوافیة فی الأصول**. قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۶. حرّ عاملی، محمّدبن حسن. **الفوائد الطوسیة**. قم: المطبع العلمی، ۱۴۰۳ ق.

۷. حلّی، حسن‌بن یوسف. **ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة علم الرجال**. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۲۳ ق.

۸. خویی، ابوالقاسم. **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**. ۱۴۱۳ ق.

۹. شبیری زنجانی، سیّد موسی. **جرعه‌ای از دریا**. قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۸۹ ش.

۱۰. شیخ مفید. **تصحیح الإعتقاد**. قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۱۱. طبرسی، فضل‌بن حسن. **إعلام الوری**. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۱۲. طوسی، محمّدبن حسن. **العدة فی أصول الفقه**. قم: ستاره، ۱۴۱۷ ق.

۱۳. ــــــــــــ. **رجال الطوسی**. نجف: حیدریة، ۱۳۸۱ ق.

۱۴. عاملی، محمّدبن مکی. **ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة**. تهران: چاپ سنگی، ۱۲۷۲ ق.

۱۵. کشی، محمّدبن عمر. **رجال الکشی**. مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۱۶. کلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی**. تهران: دارالکتب الإسلامی، ۱۳۶۷ ش.

۱۷. فیض کاشانی، محمّد محسن. **الوافی**. اصفهان: مکتبة الإمام أمیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ ق.

۱۸. مجلسی، محمّد باقر. **بحارالأنوار الجامع لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت: مؤسس‌الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱۹. موسوی، علی‌بن حسین (سیّد مرتضی). **رسائل الشریف المرتضی**. قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق

۲۰. نجّاشی، احمدبن علی. **رجال النجاشی**. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۲۱. نمازی شاهرودی، علی. **الاعلام الهادیة الرفیعة فی اعتبار الکتب الاربعة المنیعة**. مشهد: چاپخانه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]

خراسان، ۱۳۹۷ ق.
۲۲. نوری، حسین. **مستدرک الوسائل**. بیروت: آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۲۳. ـــــــ **خاتمة مستدرک الوسائل**. بیروت: آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۲۴. هاشمی، محمود. **بحوث فی علم الأصول** (تقریر دروس آیت الله السیّد محمد باقر الصدر)، قم: المجمع العلمی لشهیدالصدر، ۱۴۰۵ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.8.5]